



نمی فهمم، تو که صاحب تکنولوژی هستی چرا اسم من را می خواهی؟ هر چه به او می گفتم، قانع نمی شد. بعد رفت قضیه را به مشاورش که قبل از انقلاب برای فروش به ایران به او مشورت می داد گفت، او هم گفت ایرانی ها دوست دارند خرید خارجی کنند و علتش این است.

جالب اینکه این شرکت انگلیسی آمد ایران برای یکی از پروژه های نفت ما همان UPS با تکنولوژی قدیمی را فروخت ولی ما نتوانستیم UPS جدید خود را بفروشیم. خلاصه خیلی برای فروش این UPS های ساخت داخل تلاش کردیم و با سابقه خوبی که در ساخت رکتیفایرهای حفاظت کاتدیک از خودمان به جا گذاشته بودیم، مسئولین شرکت نفت متقاعد شدند برای ساخت UPS با ما قرارداد ببندند.

جهادی که ادامه دارد

از سال ۷۶ رئیس جهاد علم و صنعت شدم و با این سمت به کار در آنجا ادامه دادم. به هر حال این حوزه را به عنوان یک زمینه انتخاب کردم که وارد شوم. از سال ۷۶ که رئیس جهاد دانشگاهی علم و صنعت شدم

نباشد، نمی توانی اینها را در صنعت نفت بفروشی. برو یک اسم خارجی کنار خودت بگذار و بیا بفروش. این طوری راحت تر می فروشی، راهش این است. سال ۷۶ بود که او این راهکار را به ما گفت. با دوستان صحبت کردیم و گفتیم تحقیق کنیم ببینیم بهترین شرکتی که قبل از انقلاب به ایران، یوپی اس می فروخته، چه شرکتی است تا با همان صحبت کنیم. رفتیم بررسی کردیم دیدیم شرکت ارسکین انگلیس است. من آن موقع دانشجوی دکترای برق دانشگاه براتفورد انگلیس بودم و هنوز از رساله دکترای خود دفاع نکرده بودم، برای همین به انگلیس رفتم و آمد داشتم.

گفتم می روم این شرکت را پیدا کرده و با رئیسش مذاکره می کنم. آدرس را گرفتم و به آنجا رفتم. با شرکت که آشنا شدم، دیدم اینها تکنولوژی یک نسل قبل از ما را دارند. تازه خودش هم ندارد، از ایتالیا می گیرد، مارک می زند و به ایران می دهد. بعد گفت شما واقعاً UPS بیست کیلووات IGBT base می سازید؟ گفتم بله. گفت اگر بسازید و واقعاً اثبات شود، از شما می خریم. مدیر فنی اش آقای پیتر وینتر را برای ارزیابی به ایران فرستاد که ایشان آمد و یک گزارش بسیار قشنگی نوشت که بله من دیدم که اینها صاحب دانش هستند، می توانیم از اینها دستگاه کامل یا دانش فنی اش را بخریم که هر دو راضی هستند. دانش فنی هم می دادیم، چون برایمان جالب بود که انگلیس از ما دانش فنی بخرد. اگر هم دانش فنی می دادیم دیگر نمی گذاشتیم او به بازار ایران وارد شود.

خوشحال و خندان، این سرتیفیکیت (Certificate) یا گواهی کارشناس انگلیسی را برداشتیم بر دیم پیش مدیر نفت و گفتیم بفرما! برعکس شد، نگفتم ما صاحب دانش دستگاه های UPS هستیم! گفت تو اصلاً متوجه نمی شوی من به تو چه می گویم. تو باید یک اسم خارجی کنارت باشد تا بفروشی. بدون اسم خارجی نمی توانی!

ایرانی ها دوست دارند خارجی بخرند!

به این خارجی گفتیم تو بیا اسمت را کنار ما بگذار یک لوبالتی (امتیاز استفاده از برند معتبر) هم به تو می دهیم. گفت من

”

متأسفانه بعضی از مدیران ما اوج هنرشان این است که بروند با پول نفت پروژه را خوب اجرا بکنند. این که هنر نیست! بلانسیست کور هم باشد، بلد است اجرا کند

”

منطق هم همین است که هیچ وقت نرویم چرخ را از صفر بسازیم باید آخرین تکنولوژی ها را ببینیم، آگاهانه تحلیل کنیم و بعد بفهمیم و بعد هم بسازیم. دست آخر برود در صنعت کار کند تا خیالمان راحت شود که تکنولوژی را به دست آورده ایم

